

کاربرگ کتاب «پرواز کن! پرواز»

کلاس پنجم و ششم

نام و نام خانوادگی: _____

کلاس: _____

۱. با توجه به متن داستان، کدام جمله درست و کدام جمله غلط است؟

- برّه کوچولو گمشده بود، چون طوفان وحشتناک شب گذشته به قدری شدید بود که درب کلبه را از جا کنده بود و برّه کوچولو هم پا به فرار گذاشته بود.



- مرد کشاورز بچه عقابی را دید که به نظر می‌رسید تازه سر از تخم در آورده است. بچه عقاب به زحمت نفس می‌کشید. او را در جای امنی در لابه‌لای صخره‌ها گذاشت. چون ممکن بود پدر و مادرش دنبال او بگردند.
- پرنده نگاهی به اطراف انداخت و چشمش به جوجه‌ها که

دانه برمی‌چیدند، افتاد. به سرعت به طرف زمین برگشت و دوباره میان جوجه‌ها رفت.

- مرد کشاورز با اشتیاق زیاد از کنار بچه‌ها که خوابیده بودند، گذشت و به آشپزخانه رفت تا پرنده که در خواب خوش و عمیقی بود، با خود به کوهستان ببرد.

۲. به کمک کلمات داده شده، متن داستان را کامل کنید.

سلطان / نیزارها / کاه / شکاف / پرسه زد

- مرد کشاورز با دقت دور و بر را نگاه کرد. کف رودخانه، میان _____ و پشت تخته‌سنگ‌ها را گشت؛ ولی هیچ نشانی از برّه کوچولو نبود.

- مرد کشاورز میان درختان جنگل _____ به تپه‌ها رسید و اطراف تپه‌ها را هم گشت؛ ولی هیچ نشانی از برّه کوچولو نبود.

- مرد کشاورز همچنان که از کوه بالا می‌رفت به _____ رسید که آب از میان آن جاری شد.

- مرد کشاورز به بچه‌ها گفت: عقاب _____ پرنده‌گان است ولی ما می‌خواهیم او را مثل یک جوجه تربیت کنیم.

- دوست مرد کشاورز از نردبان بالا رفت. بام کلبه که با _____ و برگ پوشیده شده بود، خیلی لیز بود.



۳. معنی عبارت‌های زیر را بنویسید.

رودخانه می‌گرید و جلو می‌رفت:

به زحمت نفس می‌کشید:

مرد کشاورز دو دل بود:

نگاهی به اطراف انداخت:



۴. دوست مرد کشاورز به پرنده می‌گوید: «به خورشید نگاه کن، وقتی طلوع کرد، با او طلوع کن. تو مال آسمان هستی نه

زمین.» منظور از عبارت «با خورشید طلوع کن» چیست؟

- (۱) شاد و سرحال باش
- (۲) سحرخیز باش
- (۳) پرواز کن
- (۴) نورانی و درخشان باش



۵. دوست کشاورز از او خواست تا فرصت دیگری برای کمک به عقاب به او بدهد.

چه تفاوتی با دو مورد اول داشت؟

این فرصت،

۶. بچه عقاب چه توانایی داشت که آن را فراموش کرده بود؟

• آیا در خودتان توانایی را کشف کرده بودید که اکنون آن را فراموش کرده یا از آن استفاده نمی‌کنید؟ (مثلاً محبت

کردن، آموختن، یاد دادن، انجام یک کار یا ...)

• چه توانایی‌هایی در خودتان سراغ دارید؟

• اگر بخواهید به خوبی از توانایی‌هایتان استفاده کنید چه کارهای جالب و شگفت‌انگیزی دوست

دارید انجام دهید؟



تکلیف خانه:

در صحنه زیر:



▪ فکرها و احساسات هر یک از شخصیت‌های داستان، در این صحنه را بنویسید.

کشاورز:

دوست کشاورز:

بچه عقاب:

▪ محیط و فضای داستان و شخصیت‌ها را توصیف کنید.

▪ احتمال می‌دهید چه گفتگوهایی بین هر یک از این شخصیت‌ها اتفاق بیفتد. (فرض کنید عقاب هم می‌تواند حرف بزند)

▪ فرض کنید شما بچه عقاب یا مرد کشاورز هستید. اکنون داستان و ماجرای تصویر بالا را از زبان بچه عقاب یا از زبان مرد

کشاورز بیان کنید.
